

تحلیل گفتمان سکه‌های دوره صفویه: کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون در تحلیل متون نقر شده بر سکه‌های عصر شاه اسماعیل صفوی

مریم زمانی^۱ / ثریا شهبازی^۲

تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷
(DOI): 10.22034/shistu.2024.2022054.2417

چکیده

بازتولید اندیشه نهفته در هر متن با دستیابی به گفتمان‌هایی که کارگزاران اجتماعی در افکار عمومی می‌سازند، امکان‌پذیر است. ون لیوون در نظریه‌ای گفتمان‌مدار از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی، لایه‌های پنهان متن را با تأکید بر کارگزاران اجتماعی بررسی کرده و شیوه‌های بازنمایی آنها را آشکار ساخته است. این پژوهش بر پایه مؤلفه‌های «جامعه‌شناختی-معنایی» در الگوی ون لیوون، متون نقر شده بر سکه‌های دوره شاه اسماعیل اول صفوی را به روش «توصیفی-تحلیلی» بررسی کرده و قابلیت کارکرد این رویکرد را در مطالعه متون نقر شده بر سکه‌ها سنجیده و شیوه بازنمایی کارگزاران اجتماعی در ساختارهای زبانی و رابطه ایدئولوژی و قدرت را در لایه‌های پنهان این متون نشان داده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد شاه اسماعیل اول علاوه بر استفاده از شعارهای روی سکه برای یکپارچگی هویت ملی و دینی مردم، از این متون برای تهدید دشمنان، تشجیع سپاهیان و نشان دادن اقتدار و قدرت آسمانی خود بهره برده است. پرکاربردترین مؤلفه گفتمان‌مدار در رسیدن به این اهداف، اظهار از گونه نام‌دهی و طبقه‌بندی است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، تشیع، سکه، شاه اسماعیل اول، ون لیوون.

۱. استادیار «زبان و ادبیات فارسی» دانشگاه پیام نور (نویسنده اول) / maryamzamani@pnu.ac.ir
۲. استادیار رشته «تاریخ ایران دوره اسلامی» دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) / sry.shahsavari@pnu.ac.ir

مقدمه

سکه‌ها سندهای دست‌نخورده تاریخی هستند که از زمان باستان به‌جا مانده‌اند. سکه‌ها به سبب آنکه جزو اشیایی بوده‌اند که مردم در هنگام فرار می‌توانستند با خود همراه ببرند و خراب نشدنی بودند، از حوادث روزگار مصون مانده‌اند. امروزه نمونه‌هایی از آنها به دست ما رسیده است که چگونگی تمدن، فرهنگ و مسائل سیاسی و جغرافیایی را بیان می‌کنند.

از اعصار گذشته چنین گمان می‌رفت که علت اصلی ضرب سکه توسط حاکمان و پادشاهان به‌عنوان ابزار مطلق با ضرورت تسهیل دادوستد و ایجاد رونق اقتصادی در جامعه بوده، اما پژوهش‌های تازه نشان می‌دهند که برخی فرمانروایان چگونه علاوه بر این موارد، از سکه برای تثبیت قدرت و کسب مشروعیت، تبلیغ افکار و توسعه وحدت دینی و سرزمینی بهره می‌بردند و پول برای آنها فراتر از آنچه بود، قابل تأمل شد.

سکه سند و مرجع قابل اعتمادی برای مشخص کردن درستی و نادرستی اطلاعاتی است که از منابع دیگر تاریخی به دست آمده است. سکه بهترین و مهم‌ترین وسیله برای انتشار اخبار و افکار حاکم و رسانیدن آنها به سمع و نظر جامعه در سطح گسترده و نواحی دوردست قلمرو فرمانروایی بوده است.

ضرب سکه و نقش شعارهای سیاسی و اعتقادی بر روی آن، از دوران پیش از اسلام در ایران مرسوم بوده و با ظهور اسلام حکومت‌ها از نظر کارکرد و ساختار دینی و سیاسی، دارای ویژگی‌های خاص خود شدند. داشتن مشروعیت سیاسی - مذهبی از طرف دستگاه خلافت و دریافت منشور حکومت و اجازه ضرب سکه از جمله این ویژگی‌هاست. از این‌رو سکه‌ها بازتاب‌دهنده سیاست مذهبی حکومت‌ها بوده‌اند. پس از ورود اعراب مسلمان به ایران، و در زمان خلفای اموی و عباسی، نقش آیاتی از قرآن کریم بر روی سکه‌ها نیز معمول گردید. نقش شعارهای سیاسی و اعتقادی بر سکه‌های فرمانروایان ایران اسلامی از اولین سلسله ایرانی تبار مستقل، یعنی طاهریان، همراه با آیاتی از قرآن کریم انجام شد و پس از انقراض آن سلسله، همچنان ادامه یافت. (علاءالدینی، ۱۳۹۴، ص ۲۴)

نمونه بارز و تأثیرگذار نقش شعارهای سیاسی و اعتقادی و به‌ویژه آیات قرآنی بر روی سکه‌ها، از زمان تصرف ایران توسط مغولان و از ابتدای سلطنت هولاکوخان، سرسلسله ایلخانان مغول در ایران، اهمیت بیشتری پیدا کرد. او پس از تصرف تمام سرزمین‌های ایران و عراق و قتل المستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی (۱۴ صفر ۶۵۶ق) در بسیاری از شهرهای عراق، از جمله بغداد، جزیره‌العمر، ماردین و موصل، اقدام به ضرب سکه نمود. بر روی این سکه‌ها، علاوه بر نام و القاب هولاکو، تاریخ و محل ضرب سکه، متن کامل آیه «تَوَتَّى الْمَلِكُ مَنْ تَشَاءُ» (بقره: ۲۶)^۱ از آیات قرآن کریم نیز نقش بسته بود. (علاءالدینی، ۱۳۹۷، ص ۳۰-۳۳)

نقش این آیه بر روی سکه‌ها، فرمانی لازم‌الاجراء و مقبول مسلمانان ساکن قلمرو مغولان محسوب می‌گردید؛ پیامی که بیش از یکصد سال حکومت بر ایران را رقم زد.

دوره صفویه شاهد بازسازی وحدت سیاسی، مذهبی و نظامی ایران بود. صفویان در قلمرو امور اجتماعی نوعی یکپارچگی و مسئولیت واحد در بین مردم ایران پدید آوردند و آن را از ادوار گسیخته و نابسامان گذشته جدا ساختند. عامل عمده‌ای که در ایجاد وحدت دوره صفوی بیش از سایر عوامل مؤثر بود و موجب پایایی این دولت به قدر دو قرن و نیم شد، گرایش مردم ایران به مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی دولت بود.

رسمیت یافتن مذهب تشیع و تأثیرات عمیق این مذهب در باورها و اعتقادات ایرانیان موجب شد تا اشعار، ادعیه و نقوش نمادین در وصف ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} بر روی مسکوکات منعکس گردد. در آغاز سکه‌ها به صورت دستی (منگنه‌ای) و در محلی به نام «ضرابخانه» با تشکیلات اداری منظم به ضرب می‌رسید. در دوران سلطنت پادشاهان صفوی، از سکه‌های مرغوب با عیار بالا و نقوش هندسی بسیار زیبا و جذاب توسط هنرمندان سکه‌ساز ماهر استفاده می‌شد و با ترسیم شعارهای مذهبی همواره مراتب خضوع پادشاهان نسبت به ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} رعایت می‌گردید.

۱. «قُلْ اَللّٰهُمَّ مٰلِكِ الْمَلِكِ تَوَتَّى الْمَلِكِ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزَعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدَلِّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ».

سکه‌های دوره صفویه از جنس طلا، نقره و مس بود. طلا معمولاً به مناسبت سالگرد به سلطنت رسیدن و یا پیروزی و عید نوروز به ضرب می‌رسید. سکه‌های نقره و مسی (فلوس)^۱ در داد و ستد رواج داشت. سکه‌های مسی توسط حاکمان محلی ضرب می‌شد و عموماً فاقد نام پادشاه بود. (علاءالدینی، ۱۳۹۱) سکه‌های رایج در دوران آغازین حکومت صفویه، یک‌شاهی و دوشاهی بود. هر یک از شهرهای بزرگ دارای ضربخانه بود.

رابینو از قریب ۶۸ ضربخانه مرتبط با شاهان صفوی نام برده است (رابینو، ۱۳۵۳، ص ۳۳). در پژوهشی دیگر، تعداد ضربخانه‌ها برای ضرب سکه نقره ۵۸ و سکه طلا ۲۴ ضربخانه معرفی شده است. (عقیلی، ۱۳۷۷، ص ۴۲۱)

در آغاز دوره صفویه سکه‌های یک‌شاهی و دوشاهی رواج داشت. از زمان شاه تهماسب اول سکه‌های بیستی رایج شد و در زمان سلطان محمد خدابنده سکه جدیدی به نام «محمدی» به ارزش دوشاهی و همچنین سکه سه‌شاهی رواج یافت. (قائینی، ۱۳۸۸، ص ۳۸) در عهد شاه عباس اول سکه عباسی که برابر با چهارشاهی ارزش داشت، رواج یافت. در دوره شاه صفی اول سکه‌های پنج‌شاهی ضرب شد و در زمان شاه عباس دوم تنوع سکه‌های نقره بیشتر شد. در عهد شاه سلیمان سکه ۲/۵ عباسی رواج پیدا کرد. (ترابی، ۱۳۵۰، ص ۱۱۴-۱۱۵)

در یک طرف سکه‌های نقره شده شعار «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» را به نشان مذهب شیعه و به منظور احترام به خاندان ائمه اطهار علیهم‌السلام نام دوازده امام علیهم‌السلام را بر روی آنها نقر می‌کردند. (قائینی، ۱۳۸۸، ص ۳۹)

۱. سکه‌های فلوس (مسی) در امور دادوستد از زمان سلطنت صفویه تا سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در جریان بود. از منظر ظاهری و فیزیکی، نقش تصاویر و نقوش بر روی آنها قابل تأمل است؛ زیرا فلز مس در مقابل عوامل طبیعی آسیب‌پذیر است. نقوش سکه‌های مسی به تدریج مخدوش و معدوم شده است. (علاءالدینی، ۱۳۹۱)

این پژوهش بر آن است بر اساس نظریه «تحلیل گفتمان» ون لیوون متون نقر شده بر سکه‌های دوره شاه اسماعیل اول را بررسی کند و نشان دهد که بر اساس نظریه «پوشیدگی و اظهار» کارگزاران اجتماعی از کدام مؤلفه گفتمان‌مدار در نقر متون روی سکه، برای تأثیر بر مخاطب استفاده کرده‌اند؟ شرایط گوناگون اجتماعی و سیاسی چه تأثیری بر بازنمایی کارگزاران اجتماعی در متون نقش بسته بر سکه‌های دوره حکومت آنها دارد؟ مؤلفه‌های گفتمان‌مدار تا چه اندازه در بازنمایی کارگزار اجتماعی و رساندن آنها به اهدافشان مؤثر بوده‌اند؟ با توجه به سؤالات مذکور، این پژوهش بر آن است تا مطابق این نظریه، لایه‌های پنهان قدرت و استفاده از ایدئولوژی را در این متون بررسی کند.

انتخاب این رویکرد از آن روست که ون لیوون شاخص‌های جامعه‌شناختی - معنایی را ملاک تحلیل متن قرار داده و میان شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش آنها در تحلیل متن و رسیدن به لایه‌های پنهان متن رابطه صد در صدی نمی‌بیند و از نظر او با مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی شناخت عمیق‌تری از متن حاصل می‌شود تا تنها با شاخص‌های زبان‌شناختی. (شریف و یارمحمدی، ۱۳۹۲، ص ۶۹) همچنین در این شیوه، تحلیل متن از سطح توصیفی به سطح تبیینی می‌رسد و رابطه میان زبان، فرهنگ، جامعه، قدرت و ایدئولوژی بازنمایی می‌شود. (همان، ص ۶۲)

پیشینه

از زمانی که مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی در خاورمیانه شیوه‌های نوینی را پیش گرفت، سکه‌شناسی و پژوهش درباره آن بیشتر مد نظر پژوهشگران قرار گرفت. از جمله قدیمی‌ترین پژوهش‌ها در سکه‌شناسی، مجموعه مقالات محمد مشیری طی سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ شمسی درباره سکه‌شناسی و سکه‌های ایرانی است.

ترابی طباطبائی (۱۳۵۰) در مقاله «سکه‌های شاهان اسلامی ایران» ضمن معرفی تعدادی از سکه‌های پادشاهان ایران از سامانیان تا قاجاریه، برخی از سکه‌های پادشاهان سلسله صفوی را نیز معرفی کرده، اما به علت کیفیت بد سکه‌ها، به معانی و مفاهیم شعارهای نقر شده بر آن چندان توجهی نشده است.

رایینو (۱۳۵۳) در کتابی با عنوان *سکه‌های شاهان ایرانی* ضمن معرفی تعداد زیادی از سکه‌های پادشاهان صفوی، اسامی و القاب پادشاهان و شعارهای مذهبی منقوش بر آنها را بیان نموده است که به سبب نبود آشنایی کامل با زبان‌های فارسی و عربی اشتباهات بسیاری در آن به چشم می‌خورد.

سرافراز و آورزمانی (۱۳۷۹) در کتاب *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه* با معرفی اجمالی سکه‌های بسیاری از سلسله‌های حکومتی ایران از هخامنشیان تا اواخر زندیه، نسبت به معرفی سکه‌های پادشاهان سلسله صفوی نیز اقدام نموده‌اند.

جهانبخش ثواقب و امرایی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «روند دگرگونی نقوش و شعائر مذهبی بر روی سکه‌های دوره صفوی» به بررسی شعائر مذهبی نقر شده بر روی مسکوکات دوره صفویه و مقایسه آن با دوره ایلخانان پرداخته‌اند.

خوشبختانه درباره سکه مطالعات بیشتری در سال‌های اخیر انجام شده که بخشی از آن به شکل، وزن و جنس سکه‌ها در دوره‌های گوناگون تاریخی مربوط است و بخش دیگر این پژوهش‌ها با رویکردی ایدئولوژیک به توصیف محتوای مذهبی و دینی سکه‌ها و تاریخچه کاربرد این شعارها بر سکه اشاره دارد:

باقری، بیروتی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل نماد پرنده در سکه‌های دوره ایلخانی از منظر گفتمان مذهب بر اساس الگوی اروین پانوفسکی» به روش «شمایل‌شناسی» (آیکونوگرافی)، رقابت ادیان گوناگون در دوران ایلخانی را در قالب نقشمایه‌های پرندگان بررسی کرده‌اند. اما همچنان بیشتر مطالعات سکه‌شناسی بر پایه پژوهش‌های زیبایی‌شناختی، اقتصادی و روند تاریخی ضرب سکه در ایران است.

مقنی‌پور و اکبری (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل مضامین و محتوای نقوش ضرب شده بر فلوس‌های دوره صفوی با تأکید بر نقوش شیر و خورشید» سکه‌های ضرب شده در زمان سلطان سلیمان اول و شاه‌سلطان حسین صفوی را بررسی کرده‌اند و نقوش و اشکال شیر و

خورشید نقش بسته بر این سکه‌ها و ارتباط آنها با مفاهیم و اندیشه‌های شیعی را بیان نموده‌اند.

فیضی و حاجی‌زاده (۱۴۰۱) در مقاله «برهم‌کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی، با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی بر پایه نظریه دیوید بیتهم با رویکردی پساساختارگرایانه روابط معنایی رمزگان سکه‌های دوره ایلخانی را بررسی کرده‌اند.

بجز مقاله بیروتی، باقری و همکاران که تصویر پرنده بر سکه‌های دوره ایلخانی را بررسی کرده‌اند، پژوهشی بر مبنای نظریات «تحلیل گفتمان انتقادی» در این حوزه انجام نشده و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های سابق در این زمینه است.

۱. نظریه ون لیوون در تحلیل گفتمان انتقادی

«تحلیل گفتمان» یک رویکرد میان‌رشته‌ای است که در کندوکاو و بررسی موضوعات و مسائل گوناگون اجتماعی می‌توان از آن بهره برد و عموم نظریه‌پردازان این حوزه به کاربست اجتماعی زبان و عبور از صورت‌های زبان‌شناختی آن توجه داشته‌اند و هدف از تحلیل انتقادی گفتمان را این‌گونه بیان کرده‌اند:

«تعیین سازوکار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین گفته یا متن با کارکردهای فکری، اجتماعی و طبیعی که از دیدگاه‌های کلی و جمعی ما سرچشمه می‌گیرند.»

می‌توان چنین گفت که تحلیل انتقادی گفتمان درصدد کشف و تبیین بین ساختار زبانی و دیدگاه‌های فرهنگی- اجتماعی و یافتن معنا در قواعد و مؤلفه‌های شکل‌دهنده گفتمان است. (Fairclough, Wodak, 1997, P. 5)

از نظر فرکلاف «تحلیل گفتمان» روشی برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که در نزاع با قدرت به آن استناد می‌شود. (Fairclough, 2002, P. 70)

ون دایک (Van Dyke) زبان‌شناس هلندی گفتمان را شکلی از کاربرد زبان می‌داند. (میرفخرایی، ۱۳۷۸، ص ۷-۸) به نظر وی نقش گفتمان فقط بیان ایدئولوژی نیست، بلکه گفتمان در بازتولید آن نیز نقش اساسی دارد. (Van dyke, 1988, P.22)

در نظریه لاکلو و موف چنین نیست که تعاملی دیالکتیکی بین گفتمان و دیگر امور برقرار باشد، بلکه گفتمان سراسر جهان ما را می‌سازد. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص ۴۵) با این تعاریف انواع تحلیل زبانی - گفتمانی را به سه شاخه تقسیم کرده‌اند:

۲. انواع تحلیل زبانی - گفتمانی

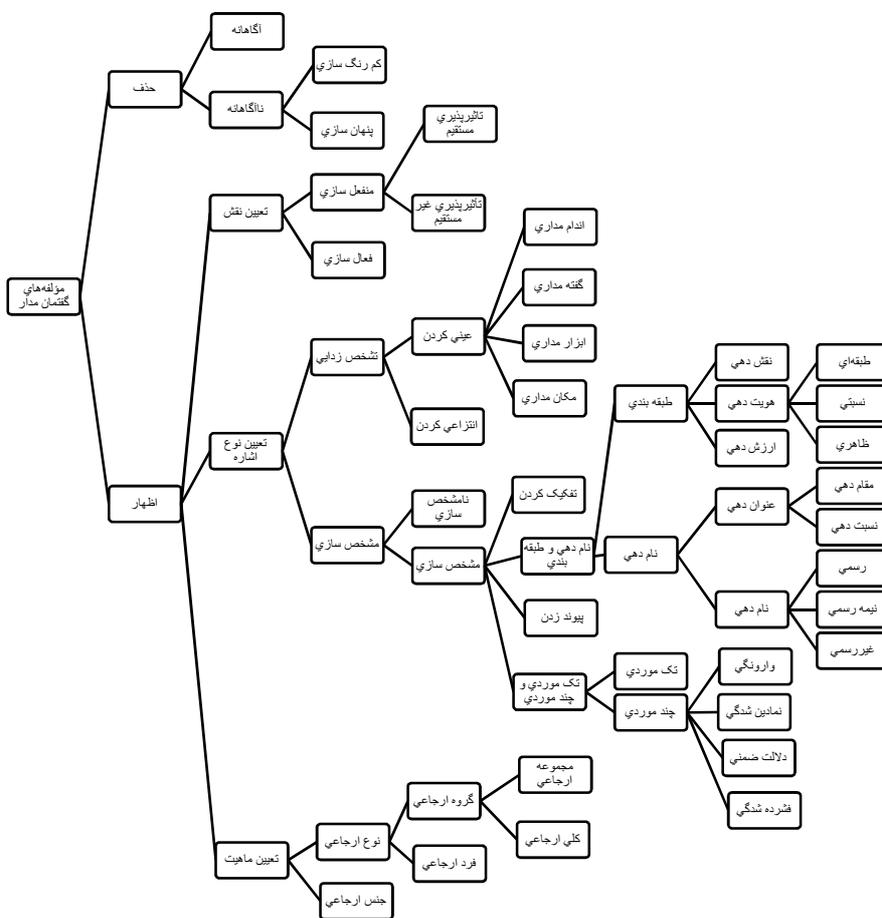
۱. تحلیل گفتمان ساخت‌گرا که در آن واحدهای بزرگ‌تر، از جمله بدون توجه به بافت و شرایط زمانی و مکانی و یا عوامل بیرون از متن تحلیل می‌شوند. (Wodak, 2001, P. 5)

۲. تحلیل گفتمان نقش‌گرا که در آن مفهوم بافت همان شرایط زمانی و مکانی است که زبان در آن به کار رفته است. (Ibid, P. 7)

۳. تحلیل گفتمان انتقادی که در آن بر نقش ایدئولوژی و قدرت به‌مثابه عوامل فرامتنی مؤثر بر تحلیل گفتمان تأکید می‌شود. (Ibid, P. 9)

ون لیوون از نظریه‌پردازان متأخر تحلیل گفتمان انتقادی است که با تلفیق نظریات جامعه‌شناسان دیگر، تأثیر گفتمان را در ساخت، دگرگونی صورت و حفظ قدرت اجتماعی و جامعه نشان داده است. او در الگویی که طرح کرده، شبکه‌ای را نمایش می‌دهد که در آن کارگزاران اجتماعی بازنمایی می‌شوند و در همان متن گونه‌های زبان، جامعه‌شناختی زبان و خصوصیات گفتمانی اتحادی شکل می‌گیرد. او افراد حاضر در متن را «کنشگران اجتماعی» (social actors) می‌خواند و حضور هر یک از این افراد در متن را با مؤلفه‌های گفتمان‌مداری که در نمودار ذیل به آن اشاره شده، بررسی کرده است:

نمودار (۱): مؤلفه‌های گفتمان مدار



۳. سکه‌های دوران شاه‌اسماعیل صفوی

شاه‌اسماعیل اول (۸۹۲-۹۳۰ق) با تکیه بر پایگاه رفیع صوفی برجسته، شیخ صفی‌الدین ابوالفتح اسحاق اردبیلی، عارف بلندآوازه قرن هشتم ق اعتبار یافت که در متون گوناگون معمولاً از او با نام شیخ صفی‌الدین و یا به اختصار شیخ صفی یاد می‌گردد. شیخ صفی‌الدین جد پنجم شاه اسماعیل اول، بنیانگذار سلسله صفوی به حساب می‌آید. (ابن بزاز، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱-۱۱۵) او به عنوان سرسلسله خاندان صفویان، برای بنیانگذاری و تثبیت نهاد سلطنت متمرکز در ایران که مسبوق به سابقه‌ای ۲۵۰ ساله بود، بسیار کوشید. (خواندمیر، ۱۳۷۰، ص ۳۰؛ مزای، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰) او پس از پیروزی بر الوند میرزا، حاکم آق‌قویونلو، و فتح تبریز در محرم سال ۹۰۷ ق هنگامی که فقط ۱۴ سال داشت، بر تخت نشست، (خواندمیر، ۱۳۸۰، ص ۳۰) تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام نمود و خود را از اعقاب امامان شیعه معرفی کرد. (خواندمیر، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰)

صفویان سنت‌های حکومتی و فرهنگی قدیم ایران را تداوم دادند، اما با ترویج مبانی اعتقادی شیعه دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی، هویت متمایزی به مملکت و مردم آن بخشیدند که بخشی از این تمایزات تا به امروز نیز باقی مانده است. این ویژگی بر روی نقوش و محتویات مسکوکات این دوره تأثیر گذاشت و سکه‌های ضرب شده این دوران دارای ماهیت و سبکی خاص گردید.

نوشته‌های روی سکه‌ها یک جریان مداوم تاریخی بوده، اما در هر دوره تغییرات خاص خود را نیز داشته است. این تغییرات متأثر از نگرش سیاسی و مذهبی سلاطین و هنرمندانی بود که در کار مسکوکات از قبیل طراحی، شعارها و نقوش دخالت داشتند. بیشتر سکه‌های ضرب شده در ضربخانه‌های حکومت صفویه دارای سبک و ویژگی خاص سیاسی و مذهبی این دوره است.

۱-۳. شاه اسماعیل و استفاده از شیوه «حذف» در ضرب سکه

شاه اسماعیل اول صفوی در ابتدای حکومت فرمان داد که همه مردم باید مذهب تشیع دوازده امامی را به عنوان مذهب رسمی بپذیرند. وی برای تثبیت این اندیشه، نوید عدالت را از طریق فرمان ضرب سکه‌ای ساده با عبارت «عدل شاه اسماعیل» صادر کرد. (ترابی، ۱۳۵۰، ص ۱۷۵) اگرچه واژه «عدل» در سکه‌های شاهان تیموری و آق‌قویونلوها هم به تناوب آمده، اما در سکه‌های دوره شاه اسماعیل اول تأکیدی بر اجرای عدالت از طریق مذهب و شریعت تشیع بود.

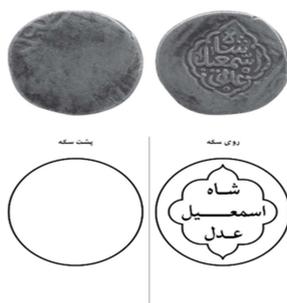
در این نوع سکه‌ها با استفاده از شیوه «حذف» (Elusion)، ظهور کارگزاران اجتماعی و اهداف و روش‌های جدید حکومتداری را به مردم نوید می‌دهند. «حذف» عنصری گفتمان‌محور است که به کمک آن نقش کارگزاران اجتماعی پنهان و یا کم‌رنگ‌تر از واقعیت نشان داده می‌شود و کاربردی بلاغی دارد و با توجه به منافع تولیدکنندگان گفتمان، پیام‌های گوناگونی از جمله ناشناس بودن مسندآلیه که در گفتمان کارگزار اجتماعی است، بی‌اهمیت بودن وی، همچنین شهرت و یا عظمت نام وی از آن دریافت می‌شود و بر این اساس، حذف‌ها گاه ناخواسته و شامل مواردی است که طبیعتاً مخاطب از آن آگاه است و یا عامدانه و بر اساس اهداف کارگزار اجتماعی این کار انجام می‌شود. (Van Leeuwen, 1996, PP.38, 39)

معمولاً سکه‌هایی که به طور رسمی از طرف پادشاهان و فرمانروایان مستقل ضرب می‌شوند، دارای ویژگی‌هایی (از قبیل: تاریخ ضرب، محل ضرب، القاب پادشاه و شعارهای مذهبی مورد اعتقاد فرمانروایان و مردم) هستند. اما این سکه خاص فاقد همه این ویژگی‌هاست. با توجه به اسناد تاریخی، این سکه بلافاصله پس از پیروزی شاه اسماعیل بر سلطان الوند آق‌قویونلو در جنگ شرور ضرب شده است و وی به منظور تثبیت جایگاه خود در مقام سلطنت ایران، بر روی تعدادی از سکه‌های آن پادشاه که به عنوان غنیمت به

دست او افتاده بود، با اهدافی خاص و بسیار هوشمندانه، به روش «سورشارژ»^۱ به نحوی که نام و القاب او بکلی محو و نابود گردد، اقدام نموده است.

احتمالاً از این نوع سکه به تعداد زیاد ضرب شده و بین سپاهیان و مردم به عنوان تبریک پیروزی اسماعیل بر الوند توزیع گردیده است. به نظر می‌رسد اسماعیل و مشاورانش با ضرب این سکه و ذکر شعار ساده و مختصر «عدل شاه اسماعیل» توانسته‌اند نام و القاب شاه پیشین را از روی سکه محو کنند و زمینه پادشاهی خود را فراهم نمایند تا از طرف مردم مشروعیت پیدا کند و امید و اعتماد به نفس در سپاهیان قزلباش برای پیروزی‌های بیشتر در آینده را ممکن سازند. درج کلمه «عدل» وعده برقراری عدالت میان مردم ایران را بشارت می‌دهد و طبقه فرودست جامعه را به سوی خود جلب می‌کند و جنبه تبلیغاتی بیشتری دارد.

شکل (۱): اسماعیل بن حیدر با وزن ۲،۲۴ و قطر ۱۷ میلی‌متر



۱. اصطلاح «سورشارژ» SURCHARGE در زبان فرانسوی به معنای افزایش قیمت و یا افزایش هزینه خدمات و اختصاصاً در خصوص افزایش قیمت تمبرهای پستی به‌کار می‌رود که توسط ادارات دولتی به صورت انگ بر روی قیمت‌های قبلی تمبر زده می‌شود. این اصطلاح در سال‌های اخیر در بین سکه‌شناسان و مجموعه‌داران ایرانی به انگ‌هایی اطلاق می‌گردد که در ادوار گذشته توسط یک فرمانروا بر روی سکه فرمانروای دیگری و یا بر حسب ضرورت بر روی سکه خودش زده می‌شد و به این طریق مجوز رواج مجدد آن سکه صادر می‌گردید. اگرچه کاربرد این اصطلاح درباره سکه، به سبب عدم تغییر بهای آن بی‌معناست، اما چون به مرور زمان در ایران پذیرفته شده، به‌کار بردن آن اشکالی ندارد. در دانش سکه‌شناسی، امروزه در زبان بین‌المللی (انگلیسی) به این اصطلاح COUNTERMARK گفته می‌شود.

شاه اسماعیل در اوایل حکومتش برای ضرب سکه و نشر آن در منطقه تبریز که بیشتر مردم آن اهل تسنن بودند، با احتیاط از شیوه «حذف» برای پیشبرد اهداف و استقرار حکومتش استفاده کرد. چون در گذشته، کارکرد سکه علاوه بر تسهیل دادوستد روزمره، ابزار نمایش ایدئولوژی مردم و حاکمان هم بود، معمولاً شعارهای منقوش بر سکه‌ها بر مبنای تفاهم بین این دو لایه اجتماعی استوار بوده است و هرچند بر حاشیه سکه‌های ضرب شده در تبریز نام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همه ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام آورده شده، اما شاه اسماعیل به درستی می‌دانست که بیشتر ساکنان شهر تبریز پیرو مذهب تسنن هستند. بنابراین در یک قاب بزرگ و چشمگیر در وسط سکه، شعار «لا اله الا الله محمد رسول الله» را بدون ذکر عبارت «علی ولی الله» آورد و چنین به نظر می‌رسد که اسماعیل مصلحت نمی‌دانست در این برهه حساس زمانی که هنوز اعتماد همه مردم تبریز را نسبت به خود جلب نکرده بود، مکتوبات قلبی خود، مبنی بر اعتقاد عمیق به ولایت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را برملا سازد. بدین سان او توانست تا حدی موجبات رضایت خاطر پیروان اهل سنت شهر تبریز را نیز فراهم کند.

۲-۳. شاه اسماعیل و استفاده از شیوه «نام‌دهی» در ضرب سکه

از سوی دیگر، به روش «نام‌دهی» (nomination) و «عنوان‌دهی» از شیوه‌های «تشخص‌بخشی» (Personification) در اظهار نام کارگزار بر روی دیگر این سکه‌ها با استفاده از القاب نافذ و جذاب «السلطان العادل»، «الکامل الهادی الوالی»، «ابوالمظفر شاه اسماعیل بهادرخان بن حیدر الصفوی» ضمن القای امید به مردم تبریز، خود را پادشاه دادگر، مرشد کامل، هدایتگر، ولی امر مردم و از همه مهم‌تر، فرزند بزرگمردی به نام شیخ حیدر صفوی معرفی کرده است.

در تشخص‌بخشی، معرفی و ذکر نام کارگزار اجتماعی با توجه به هویت منحصر به فرد و القاب و عناوین وی شیوه «نام‌دهی» و «عنوان‌دهی» است. در «نام‌دهی» اسم علم کارگزار ذکر می‌شود و در «عنوان‌دهی» القاب وی. (Van Leeuwen, 2008, P.36) چنین به نظر می‌رسد که استفاده از این شیوه در آغاز سلطنت شاه اسماعیل اشاره به عدم اقتدار و استقرار نیافتن کامل

سکه شماره (۲) که در واقع اولین سکه رسمی ضرب شده با نام، عنوان و القاب کامل شاه اسماعیل پس از جلوس بر تخت سلطنت است، دو ویژگی منحصر به فرد دارد که در سکه‌های بعدی او دیده نمی‌شود:

اول. ذکر نام پدرش حیدر، به منظور کسب مشروعیت و اعتبار خانوادگی برای خود در ابتدای سلطنت.

دوم. خودداری از ذکر شعار بسیار مهم و کلیدی تشیع «علی ولی الله» به منظور جلوگیری از شورش احتمالی مردم تبریز که در آن زمان بیشترشان پیرو مذهب تسنن بودند.

این سکه‌ها با رویکردی دوگانه و با محتوایی محتاطانه، هم به حکومت و سلطنت اسماعیل اول اشاره دارد و هم به نوعی مذهب و عقایدش را پنهان می‌کند.

۳-۳. شاه اسماعیل و استفاده از شیوه «پیوند» در ضرب سکه

شکل (۳): اسماعیل اول، با وزن ۹،۲۴ و قطر ۲۳ میلی متر



در سکه شماره (۳) که پس از مدت کوتاهی در سال ۹۰۷ در شهر تبریز ضرب شده است، تغییرات چشمگیری ملاحظه می‌گردد. به نظر می‌رسد که در زمان ضرب این سکه، شاه اسماعیل استقلال کامل خود را به دست آورده بود. در این سکه بدون احساس بیم و

هراس از سوی مردم تبریز، ضمن حذف نام پدر، نه تنها شعار مورد علاقه خود، یعنی عبارت «علی ولی الله» را بر روی این سکه آورده، بلکه چهاربار نام علی را در چهارگوشه یک مربع، به منظور نمایش اسامی چهار تن از ائمه اطهار به نمایش گذاشته است.

در این شیوه شاه اسماعیل با «پیوند» (association) نام خود به اسامی ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}، ایشان را کارگزاران واقعی حکومت معرفی می‌کند و یا آنان را پشتوانه حکومت صفویه می‌شناساند. پیوند از نظر لیوون روشی مرسوم در اظهار نام کارگزار در تشخیص بخشی و ذکر نام است.

۴-۳. شاه اسماعیل و استفاده از شیوه «طبقه‌بندی» در ضرب سکه

از دیگر شیوه‌هایی که لیوون در اظهار کارگزار به آن اشاره کرده، ذکر نام در تشخیص بخشی است و- همان‌گونه که به آن اشاره شد- شامل زیرشاخه‌های «پیوند»، «تفکیک» (Differentiation)، «نام‌دهی» و «طبقه‌بندی» (categorization) است؛ بازنمایی کارگزار اجتماعی با هویت جمعی و نقش‌هایی که با دیگر کارگزاران سهیم شده طبقه‌بندی است. (Van Leeuwen, 2008, P. 38)

شکل (۴): اسماعیل اول، با وزن ۹،۴۰ و قطر ۲۵،۲ میلی‌متر



شکل (۵): اسماعیل اول، با وزن ۱۸،۵۴ و قطر ۳۳،۴ میلی‌متر



سکه‌هایی با مشخصه‌های شکل ۴ و ۵ از سال ۹۱۲ تا ۹۱۶ هجری قمری در شهرهای کاشان، قم، تبریز، گنجه و هرات ضرب شده‌اند. (مته و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵) در این دوره زمانی با تثبیت کامل جایگاه سیاسی و اجتماعی شاه اسماعیل، دیگر هیچ ضرورتی برای تغییر در عناوین و القاب پادشاه وجود نداشت، ولی در خصوص شعارهای مذهبی منقوش بر روی سکه‌ها، از لحاظ چیدمان اسامی ائمه اطهار علیهم‌السلام نسبت به سکه‌های قبلی تغییراتی داده شده که موجب چشم‌گیرتر شدن طرح هندسی شعارها نسبت به عناوین و القاب پادشاه گردیده است.

برای مثال، در سکه شماره (۵) نام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام با ذکر القاب آنان و به شرح ذیل نمایش داده شده است: اللهم صل علی محمد المصطفی، علی المرتضی، حسن المجتبی، حسین الشهید کربلا، علی زین‌العابدین، محمد باقر، جعفر صادق، موسی الکاظم، علی‌الرضا، محمد تقی، علی نقی، حسن عسکری، محمد مهدی.

این‌گونه معرفی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در سکه‌های قبلی اصلاً سابقه نداشته است. چنین می‌توان گفت که شاه اسماعیل در این سکه‌ها به شیوه «طبقه‌بندی»، کارگزاران اجتماعی و اندیشه‌ای را که پایه‌های حکومتش بر آن استوار است، بازنمایی و نشر می‌کند.

از سوی دیگر، او خود را برخاسته از این طبقه و دارای هویت مشترک با ایشان معرفی نموده است. در این شیوه از ضرب سکه نوعی هویت‌دهی طبقه‌ای (classification) نیز به چشم می‌خورد که در آن کارگزار با توجه به زبان، فرهنگ، قومیت و یا مذهبش طبقه‌بندی می‌شود. هویت‌دهی به شیوه‌های نسبتی (relational identification) با معرفی روابط خویشاوندی و یا بر اساس ویژگی‌های ظاهری (physical identification) نیز توسط کارگزاران انجام می‌شود. (Van Leeuwen, 2008, P.38)

شکل (۶): اسماعیل اول، با وزن ۹،۲۶ و قطر ۲۶،۲ میلی متر



پس از طی مدتی از حکومت وی در تعدادی از سکه‌ها همانند شکل (۶) در نقر نقوش و اسامی تغییراتی دادند. به‌ویژه سکه‌هایی که در مناطق دوردست ضرب می‌شدند، جنبه‌های بصری و محتوای متفاوتی پیدا کردند، اما همچنان از شیوه‌های «نام‌دهی» و «طبقه‌بندی» در دو طرف سکه‌ها استفاده می‌کردند.

نبرد با محمدخان شیبانی اوزبک، یکی از وقایع مهم سال‌های آغازین حکومت شاه اسماعیل اول بود. او از اعقاب شیبان‌خان بن جوجی بن چنگیزخان مغول، معروف به

«شیبک‌خان» بود (مؤلف ناشناس، ۱۳۶۴، ص ۲۹۲؛ روملو، ۱۳۴۹، ص ۳۲۶) که پس از تسلط بر بازماندگان خاندان گورکانی بین سال‌های ۹۰۹ تا ۹۱۶ ق و از میان برداشتن فرزندان سلطان حسین بایقرا، قسمتی از خراسان را به تصرف خود درآورد و در هرات مستقر گردید. (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۷، ص ۵۶) شاه اسماعیل برای بیرون راندن ازبکان از خاک ایران، به سوی خراسان لشکر کشید. پس از ورود شاه اسماعیل به بسطام، فرمانروایان شهرهای جنوبی خراسان به استقبال او آمدند. شیبک‌خان پس از آگاهی از ورود شاه اسماعیل به خراسان، از هرات به مرو گریخت و در قلعه اختیارالدین متحصن گردید و ضمن تحکیم برج و باروی قلعه، از حکام و خوانین بخارا و ماوراءالنهر طلب یاری کرد. (امینی هروی، ۱۳۸۳، ص ۷۶؛ مزاولی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰)

شاه اسماعیل وانمود کرد که چون ورود به قلعه مستلزم تلفات انسانی بسیار است، بنابراین قصد بازگشت به پایتخت را دارد. شیبک‌خان انصراف شاه اسماعیل از ادامه جنگ را حمل بر ترس او از شکست در برابر سپاهیان ازبک تعبیر کرده، منتظر رسیدن سپاه کمکی ماوراءالنهر مانند و در بامداد آخرین روز ماه شعبان دروازه‌های قلعه را گشود و به سپاهیان اسماعیل حمله ور گردید. لشکریان اسماعیل که در آمادگی کامل به سر می‌بردند، به استقبال آنان شتافتند و نبردی خونین را آغاز کردند. (صفت‌گل، ۱۳۸۱، ص ۶۸)

در میانه روز جمع کثیری از ازبکان کشته و مجروح شدند و بقیه آنان از میدان جنگ گریختند. جسد شیبک‌خان در میان کشته‌شدگان شناسایی شد. به فرمان اسماعیل پوست سرش را کردند، آن را از گاه انباشتند و برای سلطان ایلدرم بایزید، سلطان عثمانی که حامی و مشوق او برای حمله به ایران بود، فرستادند. (مزاولی، ۱۳۸۸، ص ۷۸) کاسه سرش را هم با طلا اندود کردند و از آن جامی ساختند که اسماعیل در آن شراب می‌نوشید. گفته شده که در این جنگ بیش از ده هزار ازبک به قتل رسیدند. (امینی هروی، ۱۳۸۳؛ مؤلف ناشناس، ۱۳۶۴، ص ۳۴۲-۳۲۲)

شکل (۷): اسماعیل اول، با وزن ۹،۱۷ و قطر ۲۵ میلی‌متر



سکه شماره (۷) در سال ۹۱۷ق، یعنی یک سال پس از پیروزی اسماعیل بر محمدخان شیبانی و قتل او در سال ۹۱۶ق و سه سال قبل از جنگ معروف «چالداران» با سلطان سلیم اول پادشاه عثمانی (مؤلف ناشناس، ۱۳۹۸، ص ۴۱۴) ضرب شده است. در یک طرف این سکه علاوه بر اظهار نام کامل شاه از بیتی شعر استفاده شده است:

زرکنده کانتست بر او دیده منه
بینا نبود دیده که برکنده بود.

این بیت شعر مخاطبی خاص دارد و آن دشمنان شاه پیروز هستند که به پشتوانه زر و قدرتی که از بیگانگان دریافت کرده‌اند، علیه وی دست به اقداماتی می‌زنند. این بیت با پنهان کردن و حذف نام مخاطب به صورت ضمنی آنان را تهدید به چشم برکندن می‌کند و این تهدید مستقیماً از طرف شاه ابوالمظفر است؛ بلاغتی از نوع تحقیر برای دشمن و بزرگداشتی در اظهار نام برای شاه.

همچنین در پشت سکه با ذکر نام ائمه اطهار علیهم‌السلام ایشان را کارگزاران اصلی و پشتوانه پیروزی‌اش خوانده و با نقر این عبارت مشهور سربازان و سرداران سپاهش را تشجیع و تحریک نموده است (مته و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۸):

نادعلیاً مُظهِر العجائب
فی کُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَیْنَجَلِی
تَجِدُهُ عَوْناً لَكَ فِي التَّوَائِبِ
بَوْلَايَتِكَ يَا عَلِي يَا عَلِي.

علاوه بر این، پیام دیگری را در تهدید سلطان عثمانی و آماده کردن سپاهیان خود برای نبردی بزرگ اعلام داشت. این سکه با همین محتوا از غرب تا شرق ایران بدخشان تا نخجوان در سال ۹۱۸ ضرب شده است. (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۵۸)

شاه اسماعیل در این سکه، به عنوان سلطان عادل، مرشد کامل و ولی امر مردم متشیع ایران، به مریدان و جنگجویان جان بر کف خود، فرمان می‌دهد که با استعانت از قدرت نامتناهی و فوق بشری حضرت علی عليه السلام و تحت لوای ولایت با کفایت او، خود را برای نبردی سرنوشت‌ساز، فراتر از آنچه تاکنون می‌پنداشته‌اند، آماده سازند.

شعائر شیعی به مثابه بخش ثابتی از نوشتار و سیاست شاه اسماعیل اول بر روی سکه‌های ضرب شده است. همان‌گونه که در سکه شماره ۸ مشهود است، بر روی این سکه علاوه بر استفاده از شیوه‌های معمول ضرب سکه در اظهار و نام‌دهی کارگزار که شاه اسماعیل اول است و اظهار عبارت «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله» برای بیان مشروعیت گرفتن حکومتش از آسمان و ذکر اسامی همه ائمه اطهار عليهم السلام به نشان پشتوانه و انتساب خود به خاندان نبوت (نسبت‌دهی) و پیوستن حکومت به زنجیرهای آسمانی و آماده‌سازی و تشجیع مجدد سربازانش عبارت مشهور «نادعلی» را نقر کرده است.

سکه شماره (۸) در سال ۹۲۱ق، یعنی چند ماه پس از شکست در جنگ چالداران، در شهر تبریز، پایتخت ایران ضرب شده و بر آن ضمن تکرار شعارهای منقوش بر سکه شماره (۷)، شعار جدیدی با عنوان «نصر من الله و فتح قریب» نقر گردیده است. این نوشته قسمتی از آیه ۱۳ سوره صف در قرآن کریم است. اسماعیل با ضرب این سکه نه تنها به سپاهیان، بلکه به همه مردم ایران از قول قرآن کریم بشارت می‌دهد که با یاری خداوند، پیروزی در دسترس ماست. او به این طریق می‌خواهد قوت قلب و اعتماد به نفس تضعیف شده ناشی از

شکست پیشین را به سپاهیان و مریدانش بازگرداند و با اظهار نام خداوند در کنار نام خودش، یقین را در دل آنان استوار سازد و پیروزی را از سوی خداوند به خود نسبت دهد. اما قریب ده سال پس از نبرد چالدران، شاه اسماعیل روی در نقاب خاک کشید و وعده جبران محقق نشد.

شکل (۸): اسماعیل اول، با وزن ۹،۲۶ و قطر ۲۶،۵ میلی‌متر



۳-۵. شاه اسماعیل و استفاده از شیوه «فعال سازی» و «منفعل» در ضرب سکه

پس از ضرب سکه شماره (۸) در سال ۹۲۱ق به نظر می‌رسد که در شعارهای مذهبی منقوش بر سکه‌های شاه اسماعیل اول تا زمان درگذشت او در سال ۹۳۰ق هیچ تغییری صورت نگرفته باشد. اما اخیراً سکه بسیار جالبی از او دیده شده که شعاری منحصر به فرد با عنوان «غلام علی بن ابی طالب علیه‌السلام» «شاه اسماعیل» نقش شده که تا آن زمان بر سکه‌های هیچ‌یک از سلاطین شیعه مذهب ایران دیده نشده است.

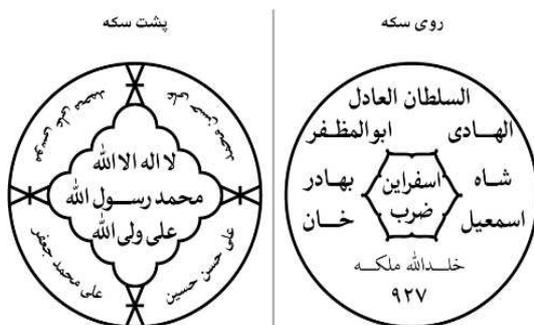
هرچند شعار منقوش بر این سکه همچنان نشان‌دهنده ارادت و سرسپردگی عمیق و مطلق شاه به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام است، اما حقایق دیگری از روحیه شاهی که نامش را برابر نام خدا در سکه نقر می‌کرده، نشان می‌دهد وی در این سکه غلامی نقش‌پذیر است که وظیفه‌ای را ناخواسته و از سر مسئولیت غلامی انجام می‌دهد و کارگزاران واقعی همچنان خداوند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام و جانشینان ایشان هستند.

لیوون در تعیین نقش کارگزاران از اصطلاح «فعال‌سازی» (activation) و «منفعل‌سازی» (Passivation) استفاده کرده که منظور از «فعال‌سازی»، کارگزاری اثرگذار است و در «منفعل‌سازی» کارگزار به گونه‌ای معرفی می‌شود که گویی نقشی را با تحمیل و اجبار پذیرفته است. (Van Leeuwen, 2008, P. 35)

شکل (۹): اسماعیل اول، با وزن ۵،۴۷ و قطر ۲۲ میلی‌متر



شکل (۱۰): اسماعیل اول، تاریخ ضرب ۹۲۳ ق، با وزن ۴،۲۸ و قطر ۲۲،۲ میلی‌متر



به غیر از دو سکه مذکور، سایر سکه‌ها با همان شعارها و در طرح‌های متنوع در تبریز، گناباد، اسفراین، بغداد و جاهای دیگر تا پایان دوران شاه اسماعیل اول ضرب می‌شده‌اند.

پس از شاه اسماعیل اول و در دوره حکمرانی جانشین او، شاه تهماسب اول مفاهیم و کلمات نقر شده بر روی سکه‌ها نشان از تداوم سیاست مذهبی شاه اسماعیل اول توسط جانشین وی دارد. تأکید بر موضوعاتی چون «الحسینی»، «صفوی» و ارادت به ائمه اطهار علیهم‌السلام در قالب کلماتی همچون «غلام علی بن ابی‌طالب(ع)» و برخی شعائر مذهبی دوره شاه اسماعیل در این دوره آشکار است. (امرای، ۱۳۹۵، ص ۷۳)

بحث و نتیجه‌گیری

در دوران صفوی میان فرهنگ عینی و ذهنی تمایز و تجانس دیده می‌شود. فرهنگ عینی دربرگیرنده تمام ساخته‌های انسانی، اعم از مادی و غیر مادی (همانند فنون ضرب سکه) و استفاده از آن در گسترش تشیع است؛ جایی که آرمان‌های دینی رویدادهای سیاسی را در اوان دوران صفوی برجسته می‌سازد. اندیشه و عقاید مذهبی به واسطه دست‌ساخته‌ها هویدا می‌گردد. به عبارت دیگر، ارزش‌های ذهنی از طریق پول عینی می‌شوند، نه از آن جهت که امکان خرید و کسب منفعت را تسهیل می‌کنند، بلکه از آن رو که ارزش‌هایی مانند مذهب تشیع، قدرت صفوی و مشروعیت حاکم در سکه‌ها منعکس می‌شوند.

بررسی سکه‌ها گذار از «پول - ماده» به «پول - نشانه» در دوران صفوی را تبیین می‌کند. هر چند ویژگی عملکردی پول به عنوان پشتوانه ارزش و واسطه مبادله است، اما با انتزاعی شدن کیفیت چیزها، سکه موفق می‌شود ارزش چیزها را فراتر از صورت کمی محض و عددی، نمایندگی کند. بی‌اعتنا به ارزش مادی‌اش، سکه صورت نمادین محضی برای دنیای مادی پیدا می‌کند و شکل یک نشانه را برای تبیین ارزش‌های معنوی می‌یابد؛ عملکردی که با توسعه دنیای امروزی از آن فاصله گرفته است.

سکه در تبلیغ تشیع دوازده امامی، به مثابه یک معادل عمومی، تمام ارزش‌ها و معانی را بیان می‌کند و خود هیچ‌کدام را ندارد. فاقد هرگونه فردیت یا ویژگی ذاتی است، خنثا و یک شکل خالی است؛ اما خود تبدیل به یک پدیده اجتماعی تام می‌شود که می‌توان تاریخ سیاسی و اجتماعی را از خلال آن روایت کرد و کشمکش‌های قدرت و کسب مشروعیت را به واسطه آن مشاهده نمود.

تحولات گذشته در زمینه امور پولی با قدرت سکه در دست دولت ملازم بوده و مانند دیگر جنبه‌های پدیده‌های اجتماعی، قرن‌ها تغییر و تحول به خود دیده است. در تاریخ اجتماعی ایران، سکه حکم راوی یا رساننده پیام را دارد؛ یعنی ارزشی بسیار بالاتر و

متفاوت‌تر از آنچه پول را به «ابژه» تبدیل می‌کند. نظریه «ارزش» در درجه اول به اقتصاد تعلق داشت، اما معنای ضمنی بیشتر این آثار مستقیماً جامعه‌شناختی است.

گذر به مبادله پولی که جانشین اقتصاد مبتنی بر معامله پایاپای شده، نتایجی به مراتب وسیع‌تر دارد. پول به‌طور حتم بازرگانی و دادوستد را آسان می‌کند، اما ضمن آن، انواع روابط اجتماعی را که تفوق اقتصادی پولی ایجاد کرده است، هموار می‌سازد. در عصر صفوی سکه که در مالکیت اقتصادی، جنبه‌ای غیرشخصی (Impersonality) می‌یابد، وسیله کسب قدرت و مشروعیت پراکنی در قلمرو سرزمینی است.

در بررسی شعارهای شیعی منقوش بر سکه‌های ضرب شده توسط پادشاهان صفوی، وجوه بارز و مشترکی ملاحظه می‌گردد که با گذشت زمان اثرات آنها در فرهنگ عمومی ایرانیان نهادینه شده و به تدریج موجب تثبیت و گسترش پیوسته مذهب و تمرکزگرایی جدید در میان آحاد مردم گردیده است. این وجوه مشترک را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. آوردن شعار «علی ولی الله» بر روی تمام سکه‌های عصر صفوی با هدف یکپارچگی دینی و ایجاد نهادهای مذهبی مرتبط با آن، به گونه‌ای که در عصر شاه‌عباس، اصفهان قطب تشیع شد.

۲. آوردن اسامی دوازده امام شیعه بر روی بسیاری از سکه‌ها با هدف تأکید بر نوع مسلک تشیع و تمایز آن از زیدیه و اسماعیلیان؛

۳. ذکر عبارت «غلام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام» از طرف اسماعیل اول و تهماسب اول بر روی سکه‌ها، موجب احساسی شدن تشیع سیاسی گردید و در دوران بعد، به اشکال دیگری تکرار شد؛ مانند عبارات «کلب آستان علی علیه‌السلام» و همچنین «کلب درگاه امیرالمؤمنین» از طرف شاه‌سلطان حسین یا عبارت «بنده شاه ولایت» از طرف شاه‌عباس اول (ترکمان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶)، شاه سلطان حسین و دیگران برای کسب مشروعیت از سوی مردم نواحی مرکزی ایران.

۴. استفاده از آیات و ادعیه در برخی سکه‌ها که مصادف با وقایع تاریخی (مانند نبرد با ازبکان و جنگ با عثمانیان) بود، در آن برهه حساس تاریخی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران در برابر حکومت قدرتمند عثمانی که تا آن زمان تمام کشورهای اسلامی خاورمیانه بجز ایران را به تصرف خود درآورده بود و داعیه تشکیل خلافت جهانی اسلامی را در سر می‌پرورانید، دستاوردی ارزشمند برای سلسله صفوی و ایران بود و صفویان توانستند از طریق مذهب، این اقتدار و مشروعیت را حفظ کنند.

علاوه بر این، استفاده از الگوی کنشگران اجتماعی در بررسی سکه‌ها نشان می‌دهد که شاه‌اسماعیل اول صفوی با تفاوت ایدئولوژیکی که با عموم جامعه‌ای که زمام امور را در دست گرفته بود و شروع محتاطانه‌ای در افزایش علم اندیشه‌هایش داشت و از مؤلفه «پوشیدگی» بهره می‌برد، اما پس از اندکی که بر اسب مراد سوار شد، در بیشتر موارد چنان که طبیعت ضرب سکه است، نام‌دهی، طبقه‌بندی و تشخیص‌بخشی عمده شیوه وی در بهره بردن از مؤلفه گفتمان‌مدار «اظهار» بود.

اما نکته جالب توجه آنکه به نظر می‌رسد نوع ذکر نام و اظهار کنشگر ارتباط مستقیمی با موفقیت‌ها و شکست‌هایش دارد. وی از شعارهای نقر شده بر سکه‌ها برای تهدید دشمنانش استفاده می‌کرد و با پنهان کردن نامشان، به صورت کنایی آنها را از اقدامات سوء برحذر می‌داشت و چون در اوج پیروزی و موفقیت بود، نامش در کنار نام خدا، پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام دو روی یک سکه قرار داشت و در یک طبقه‌بندی و پیونددهی می‌شود. اما وقتی شکست می‌خورد و دیگر توان جبران نداشت، همچنان بر سکه‌ها نامش به‌عنوان کارگزار اجتماعی ذکر می‌شود؛ لیکن همچون غلامی که اختیاری ندارد و امورش در دست تقدیر خداوند است و خود کنشگری منفعل است.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۴)، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، جامی.
۲. ابن بزاز اردبیلی، توکل بن اسماعیل (۱۳۷۳)، *صفوة الصفا* (در ترجمه احوال، اقوال و کرامات شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی)، مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبائی، تهران، مجد.
۳. استریناتی، دومینیک (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*، ترجمه ثریا پاک‌نظر، تهران، گام نو.
۴. امینی هروی، صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی* (تاریخ شاه‌اسماعیل از آغاز تا سال ۹۲۰ هجری قمری)، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۵. بارت، رولان (۱۳۹۹)، *اس/ زد*، ترجمه سپیده شکری‌پوری، تهران، افراز.
۶. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، چ چهارم، تهران، صفی‌علیشاه.
۷. بیگدلی، محسن (۱۴۰۰)، *ریشه‌یابی زمینه‌های انحطاط دولت صفویه (از آغاز تا فروپاشی)*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. پارسادوست، منوچهر (۱۳۸۱)، *شاه تهماسب اول*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۹. پارسادوست، منوچهر (۱۳۹۱)، *از شاه اسماعیل دوم تا شاه عباس اول*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. پیرزاده ابدال زاهدی، حسن (۱۳۹۵)، *سلسله‌النسب صفویه*، (بر اساس نسخه‌ای نویافته مورخ به ۱۰۹۹ هجری قمری در کتابخانه ملی تهران)، تهران، ارمغان.
۱۱. ترابی طباطبائی، سید جمال (۱۳۵۰)، «سکه‌های شاهان اسلامی ایران»، *نشریه موزه آذربایجان*، تبریز، ش ۵.
۱۲. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به اهتمام و تنظیم ایرج افشار، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.
۱۳. چندلر، دانیل (۱۳۹۴)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران، سوره مهر.
۱۴. حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۶۷)، *فارسانامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.

۱۵. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۳)، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، مقدمه جلال‌الدین همایی، تصحیح متن زیر نظر محمد دبیرسیاقی، چ دوم، تهران، کتابفروشی خیام.
۱۶. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۷۰)، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی*، (ذیل تاریخ حبیب السیر) تصحیح و تحشیه محمدعلی جرّاحی، تهران، نشرگستر.
۱۷. رایینیو دی بورگوماله، ه. ل. (۱۳۵۳)، *آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها، و مهرهای پادشاهان ایران (از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۴۸ میلادی)*، به اهتمام محمد مشیری، تهران، بی‌نا.
۱۸. رایینیو دی بورگوماله، ه. ل. (۱۳۵۳)، *سکه‌های شاهان ایرانی: آلبوم سکه‌ها، نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران*، به اهتمام محمد مشیری، تهران، امیرکبیر.
۱۹. روملو، حسن بیک (۱۳۴۹)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۰. سرافراز، علی‌اکبر و آورزمانی، فریدون (۱۳۷۹)، *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران، سمت.
۲۱. سیوری، راجر (۱۳۹۷)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، چ بیست و نهم، تهران، نشر مرکز.
۲۲. شریعت‌زاده، سیدعلی‌اصغر (۱۳۹۰)، *سکه‌های ایران زمین*، تهران، پازینه.
۲۳. صفت‌گل، منصور (۱۳۸۱)، *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۴. علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۴)، *سکه‌های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان*، تهران، میردشتی.
۲۵. علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۷)، *سکه‌های ایران: دوره گورکانیان (تیموریان)*، تهران، پازینه.
۲۶. علاءالدینی، بهرام (۱۳۹۱)، *سکه‌های مسی ایران، فلوس دوره‌های صفوی تا قاجار*، تهران، یساولی.
۲۷. قائینی، فرزانه (۱۳۸۸)، *سکه‌های دوره صفویه*، تهران، پازینه.
۲۸. کوزر، لیوئیس (۱۳۸۲)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی.
۲۹. کیمبریچ (۱۳۹۳)، *تاریخ ایران (دوره صفوی)*، ترجمه یعقوب آژند، چ ششم، تهران، جامی.
۳۰. کیویستو، پتر (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

۳۱. فریزی، دیوید و سهیر، درک (۱۳۷۴)، *جامعه*، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران، آران.
۳۲. مته، رودی و فلور، ویلم ام و کلاوسون، پاتریک (۱۳۹۶)، *تاریخ پولی ایران از صفوی تا قاجار*، ترجمه جواد عباسی.
۳۳. مزاوی، میشل م. (۱۳۸۸)، *پیدایش دولت صفوی*، ترجمه یعقوب آژند، چ دوم، تهران، گستره.
۳۴. مشیری، محمد (۱۳۵۱)، *سکه‌های شاه اسماعیل اول*، تهران، گوتنبرگ.
۳۵. مؤلف ناشناس (۱۳۹۸)، *جهانگشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل)*، مقدمه و پیوست الله دتا مضطر (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - اسلام‌آباد)، چ دوم، تبریز، دانشگاه تبریز.
۳۶. میرفخرایی، تزا (۱۳۸۳)، *فرایندگفتمان*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۷. واندنبرگ، فردریک (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی گئورگ زیمل*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
38. Fairclough, N., Wodak, R. (1997), "Critical Discourse Analys", in: *T.A.V.* (ed.) studies.
39. Fairclough, N. (2002), "Critical Discourse Analysis and the marketization of Public Discourse", in: Toolan, M. (ed.) *Critical Discourse Analysis*, London, Routledge, vol. 2.
40. Van Dike, T. (1998), "Opinions and Ideologies in the press", in: *Approaches to Media Discourse*, (ed.) by: Bell, A. and peter Garrett, Oxford, Blackwell, pp. 21-63.
41. Van Leeuwen, T. (1996), "The representation of social actors", Texts and Practices; readings, in: *Critical Discourse Analysis*. C.R. Caldas (ed.), London, Routledge.
42. Van Leeuwen, T. (2008), *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*, Oxford University Press.
43. Wodak, R. & Mayer, M. (2001), *Methodes of Critical Discourse Analysis*, London, SAGE Publication.